

معرفی کتاب

زبان، منزلت و قدرت
در ایران

نوشته: ویلیام بی من

ترجمه: رضا مقدم کیا





فهرست مطالب

۲	تصویر روی جلد کتاب
۱	مقدمه
۷	کلیات
۷	۱-۲. شناسنامه کتاب
۷	۲-۲. معرفی نویسنده
۸	۳-۲. معرفی مترجم
۸	۴-۲. مخاطبان اصلی کتاب
۸	۵-۲. ایده محوری
۱۰	۳. معرفی محتوای کتاب
۱۶	۴. درس‌های این کتاب برای ما
۱۹	۵. پیشنهادهایی برای خوانندگان

تصویر روی جلد کتاب



معرفی کننده کتاب:

دکتر مهنوش مانی (پژوهشگر پویش فکری توسعه) / بهمن ۱۳۹۶

زبان و توسعه

«فلسفه نباف». آیا این جمله کوتاه برای شما آشنا نیست؟ چرا وقتی ما ایرانیان می‌خواهیم به حرف‌های بی‌پایه و بیهوده اشاره کنیم، از عبارت «فلسفه‌بافی» استفاده می‌کنیم؟ راستی در زبان فارسی چه معادلی برای واژه انگلیسی «فلسفه» یا «فیلسوف» وجود دارد؟ نگوید «حکمت»؛ چون حکمت، برابر نهادی است برای واژه Wisdom به معنی خردمندی و در کاربرد عمومی و تداول تاریخی نیز در زبان فارسی «حکیم» به کسی گفته می‌شده است که جامع انواع علوم روز از طبابت گرفته تا ریاضی و نجوم و ادبیات و احتمالاً علوم دینی و غیره بوده است؛ مانند بزرگمهر حکیم، حکیم ابوالقاسم فردوسی، حکیم ابوعلی سینا، حکیم عمر خیام و بسیاری دیگران. در لغت‌نامه علامه (حکیم؟) دهخدا نیز در مقابل واژه «حکیم»، کلمه «فیلسوف» نیامده است بلکه آمده است: دانا، فرزانه، خردمند، دانشمند و ...

راستی جامعه‌ای که برای کلمه فیلسوف معادلی در زبانش ندارد، می‌تواند تمدن آفرین بوده باشد؟ مگر می‌تواند تمدنی در جامعه‌ای شکل بگیرد بدون آنکه آن جامعه، کتاب و فیلسوف و دانشمند داشته باشد؟ و اگر معتقدیم در ایران باستان تمدنی شکل گرفته است، کجاست کتابش و فیلسوفش و دانشمندش؟ وقتی در زبانی معادلی برای کلمه «فیلسوف» تولید نشده باشد آیا به این معنی نیست که در جامعه‌ای که با آن زبان گفت‌وگو می‌کند نیازی به چنین کلمه‌ای نبوده است و بنابراین آیا نمی‌توان نتیجه گرفت که اصولاً در آن جامعه چنین حرفه و تخصصی، یا وجود نداشته است یا بی‌اهمیت بوده است؟

من نمی‌توانم بفهمم که چگونه جامعه‌ای بدون داشتن فیلسوف، می‌تواند دانشمندان و عالمان بزرگ در رشته‌های دیگر داشته باشد و تمدنی بیافریند. و امروز باید گفت قابل فهم که نیست، هیچ، بلکه امکان‌پذیر هم نیست که جامعه‌ای در گذشته خویش به اندازه کافی فیلسوف نداشته باشد و در درازنای تاریخ در زبانش نیازی برای داشتن معادلی برای کلمه فیلسوف احساس نکرده باشد، و هرگاه می‌خواهد به سخنان عبثی اشاره کند، اصطلاح «فلسفه‌بافی» را به کار ببرد و آنگاه چنین جامعه‌ای بتواند «توسعه» بیافریند.

به دیگر سخن و خیلی کوتاه می‌خواهم ادعا کنم که «جامعه‌ای که فلسفه ندارد و فیلسوف ندارد، بعید است بتواند توسعه‌ی مدرن را درک کند و آن را محقق سازد»؛ چون نداشتن فیلسوف به این معنی است که چنین جامعه‌ای اصولاً سوالات فربه‌ای از خویش نداشته است و بنابراین توان به پرسش گرفتن و چون و چرا کردن درباره جوانب مختلف زندگی و حیات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خویش را نداشته است. و البته بدون این که ملتی، دست کم چند قرن، خودش را لگدکوب پرسش‌های استخوان‌سوز درباره باورها و ساختارها و سازوکارهای خود کند، رسیدن به مرزهای «توسعه» محال است.

اینها را گفتم تا ذهن شما را نزدیک کنم به مأموریتی که کتاب «زبان، منزلت و قدرت در ایران» بر دوش دارد. این کتاب به خوبی نشان می‌دهد که چگونه زبان می‌تواند سرنوشت یک جامعه را به راه یا به بیراهه ببرد. من اکنون چند سالی است که به طور جدی با این دغدغه روبه‌رو هستم که آیا اصولاً «زبان فارسی» توانایی کمک به جامعه ایران برای گام نهادن در مسیر توسعه را دارد؟

زبان فارسی زبانی شیوا، دل‌انگیز و آهنگین است که پر است از ایهام و کنایه و تلمیح و تشبیه و استعاره و مجاز. زبان فارسی زبان اختلاط‌های بی‌پایان روزمره، زبان خطابه و سخنوری‌های دلبرانه، زبان خیالپردازی‌های حافظانه، زبان حماسه سرایی‌های فردوسیانه، زبان عرفان‌های مولویانه و زبان رندانه نسیم شمالانه است. هنوز نمی‌دانم آیا از زبان فارسی، زبان ریاضی، زبان حقوق، زبان موسیقی و زبان خرد ناب نیز می‌تراود؟ پاسخ من اکنون «نمی‌دانم» است. تنها طرح موضوع کردم تا حساسیتی در میان پژوهشگران علاقه‌مند درافکنده باشم. و اینها را گفتم تا بر اهمیت کتاب «زبان، منزلت و قدرت در ایران» تأکید کرده باشم. و البته تأکید می‌کنم که این کتاب تنها دریچه‌ای است برای ورود به «مبحث زبان و توسعه در ایران».

این کتاب مستقیماً درباره رابطه زبان و توسعه سخن نمی‌گوید اما به ما نشان می‌دهد که ساختار، محتوا، دستور زبان و حتی واژگان در یک زبان نه تنها بر شکل‌گیری الگوهای رفتاری و گفتاری بلکه بر شکل‌گیری ساختارها و فرایندها و روندهای اجتماعی نیز اثر می‌گذارد و بنابراین سرنخ‌هایی را به ما می‌دهد تا در مورد زبان و توسعه با دقت بیشتری اندیشه کنیم. پیشتر نیز در مقاله «توسعه یعنی گذار از حیوان ناطق به جامعه ناطق»



مجله دریاچه شماره ۴۷) گفته‌ام که هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند بدون داشتن «مهارت گفت‌وگو» فرایند توسعه ملی را آغاز کند و مهارت گفت‌وگو البته هم نیازمند توانایی‌های ذهنی - روانی و هم نیازمند ابزارهای زبانی لازم در یک جامعه است و به نظر می‌رسد ابزارهای موجود در زبان فارسی (واژگان، لایه‌های معنایی، قواعد دستوری و ساختارهای بیانی) بیشتر به سوی تولید بیان‌هایی آکنده از پوشیدگی و پیچیدگی تمایل دارد، در حالی که «گفت‌وگو» (به مفهوم دیالوگ = هم‌شنفتی) نیازمند بیانی شفاف، سراسر و فاقد پیچیدگی‌هایی از نوع استعاره، کنایه، تلمیح و مجاز است. گفت‌وگو مستلزم فهم دقیق و روشن از معنایی است که توسط طرفین مراد می‌شود و زبان فارسی به علت چندلایگی و پیچیدگی، اجازه می‌دهد تا از هر واژه، عبارت یا جمله، معانی متعددی برداشت شود و بنابراین اجازه نمی‌دهد تا یک گفت‌وگوی بی‌مسئله بین طرفین جریان یابد.

بنابراین در حالی که زبان فارسی زبانی پر از پیچیدگی و پوشیدگی و البته قدرتمند برای خطابه و لطیفه و کنایه و بیان‌های شاعرانه است، این پرسش جدی پدیدار می‌شود که آیا زبانی با چنین ویژگی‌هایی می‌تواند به تولید «مهارت گفت‌وگو» در جامعه یاری رساند؟ و اگر پاسخ منفی است آیا در چنین شرایطی اصولاً توقع شکل‌گیری فرایندهای نرم (ذهنی و رفتاری) توسعه در جامعه ایرانی، توقعی به‌جاست؟

در یک کلام: توسعه برآیندی از تحولات مادی، اقتصادی و فناورانه (مدرنیزاسیون) از یک سو، و تحولات فرهنگی، اجتماعی و فکری (مدرنیته) از سوی دیگر است؛ و این کتاب نشان می‌دهد که چگونه اندیشه، رفتارهای اجتماعی و فرهنگ جامعه ما در سطره زبان فارسی است.

اینها را گفتم تا شما را به شوق آورم که به سراغ تهیه اصل کتاب بروید و آن را تهیه کنید و جمله به جمله بخوانید. ما نیز با همین دغدغه، و برای تهیه پاسخ‌های ساده و اولیه‌ای به سؤالات بالا، در پویش فکری توسعه، دو گروه مطالعاتی را شکل داده‌ایم تا بر روی دو مسئله «زبان و توسعه» و «فلسفه و توسعه» اندیشه کنند. پژوهشگرانی که روی این موضوعات کار فکری کرده‌اند یا علاقه‌مند به همکاری پژوهشی در این دو زمینه هستند می‌توانند با ایمیل «پویش فکری توسعه» مکاتبه کنند:

pooyeshfekri@gmail.com



امید که در آینده‌ای نه چندان دور، دستاوردهای فکری این دو گروه مطالعاتی را منتشر کنیم.

از سرکار خانم دکتر مهنوش مانی نیز که محتوای کتاب را در نشست صبحگاهی «کتابخوانی توسعه» برای دوستان پویش فکری توسعه ارائه و چکیده‌ای از آن را نیز برای انتشار عمومی تهیه کردند، سپاسگزاریم.

محسن رنانی / ۲۷ اسفند ۱۳۹۶



۲. کلیات

۱-۲. شناسنامه کتاب

نشر نی

زبان، منزلت و قدرت در ایران

نویسنده:	ویلیام بی من
مترجم:	رضا مقدم کیا
نوبت چاپ:	چاپ هفتم ۱۳۹۵
شمارگان:	۳۰۰

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۱۲-۶۳۴-۶

تلفن: ۰۲۱۸۸۰۲۱۲۱۴

<http://www.nashreney.com> Email: info@nashreney.com

۲-۲. معرفی نویسنده

ویلیام بی من^۱ مردم‌شناس و زبان‌شناس اهل آمریکا است. وی استادیار انسان‌شناسی، تئاتر و هنرهای نمایشی دانشگاه براون^۲ آمریکا و رئیس مرکز مطالعات خاورمیانه این دانشگاه است. او دکتری خود را از دانشگاه شیکاگو گرفت. پژوهش‌های «بی من» بیشتر حول اشکال زبانی و الگوهای فرهنگی در ایران، تئاتر سنتی در خاورمیانه، هند، ژاپن و رفتارهای روستایی خلاصه می‌شود. حوزه‌های مطالعاتی وی در حال حاضر بیشتر متمرکز بر نظریه در زبان‌شناسی اجتماعی و معناشناسی، نمادشناسی زبانی و غیرزبانی و انسان‌شناسی است. «بی من» کتاب‌ها و مقالات فراوانی را در مورد فرهنگ و هنر

1. William Beeman
2. Brown University

ایرانی نوشته است. از جمله آثار وی که درباره ایران است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

سنت‌های نمایشی ایرانی (۲۰۱۱): شیوه‌های بازیگری و آموزش بازیگران در تعزیه (۲۰۰۵): هیجان و صمیمیت در سخن گفتن به زبان فارسی (۲۰۰۱): فرهنگ، نمایش و ارتباط در ایران (۱۹۸۲): چرا آنها می‌خندند؟ رویکردی تعاملی به طنز در نمایش بداهه‌گویی سنتی ایرانی (۱۹۸۱).

۲-۳. معرفی مترجم

رضا مقدم کیا استادیار دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران است. وی کارشناسی ارشد و دکتری خود را در رشته زبان‌شناسی همگانی اخذ کرده است. مقدم کیا رساله‌ها و پایان‌نامه‌های زیادی را در زمینه زبان فارسی و ویژگی‌های آن راهنمایی کرده و بر روی زبان‌های ژاپنی و انگلیسی نیز تحقیقاتی داشته است. وی دو کتاب دیگر نیز در حوزه زبان‌شناسی و انسان‌شناسی ترجمه کرده است که عبارتند از: انسان‌شناسی زبان - شناختی (۱۳۹۵)؛ زبان زنده: درآمدی بر انسان‌شناسی زبان‌شناختی (۱۳۹۶).

۲-۴. مخاطبان اصلی کتاب

مخاطبان این کتاب افراد علاقه‌مند به زبان فارسی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی ایرانیان هستند، زیرا کتاب حاضر کاری جدی در این زمینه است. همچنین این کتاب برای آن دسته افرادی جالب است که تمایل دارند نظر نویسندگان و پژوهشگران خارجی را جمع به فرهنگ، زبان و اجتماع ایرانی را بدانند و به عبارت دیگر نقدی بیرونی بر ساختار زبانی و فرهنگی ایران داشته باشند.

۲-۵. ایده محوری

ایده‌ی محوری این کتاب برخی ویژگی‌های بنیادی فرهنگ ایرانیان است که در تعاملات روزمره به ویژه در عرصه تبادلات زبانی کارکرد مؤثری دارند. این کتاب در دهه هفتاد میلادی به رشته تحریر درآمده است. نویسنده کوشیده است با توسل به ابزارها و روش‌های تحلیل در سه حوزه مورد اشاره و نیز روش‌های تحلیل و توصیف در مردم‌شناسی، زبان فارسی را آن‌گونه که در روابط و تعامل‌های ایرانیان به کار برده



می‌شود، توصیف کند. تحقیق حاضر برخاسته از یک رشته باورهای فکری راسخی است که سال‌های متمادی درباره ماهیت بیان در زبان و رابطه آن با نظریه عمومی معنی-شناسی بوده است. مردم‌شناسی در آمریکا از دیرباز پیوند نزدیکی با زبان‌شناسی داشته است. کتاب حاضر کاری جدی و حاوی نکات جالب درباره زبان فارسی و فرهنگ ایرانی است. شناخت خصوصیات اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی و زبانی ایرانیان، این کتاب را شبیه به سفرنامه‌های مستشرقین می‌کند.

نویسنده در بعضی از فصول نمونه‌های کاملاً عینی را بیان می‌کند، زیرا خود سال‌ها با ایرانیان زندگی کرده است. هسته اصلی این کتاب، تأثیر زبان و فرهنگ بر یکدیگر است. مردم یک کشور کلمات، افعال، ضمائر و لحن به خصوصی را به کار می‌برند که همگی از فرهنگ خودشان نشأت گرفته و کاربردی است. علاوه بر آن، نویسنده نشان می‌دهد که ایرانیان به طور خاص از چه تمهیدات و راهبردهای زبانی برای تمشیت مراودات و تعاملات روزمره استفاده می‌کنند و زبان فارسی چه ابزارها و امکاناتی دارد که تحقق کنش‌های ارتباطی مورد نظر گویندگان را تسهیل می‌کند. هنگامی که صحبت از کاربرد زبان به میان می‌آید تعریف و تعیین بافت تعامل و تأثیر آن بر تولید و درک زبان ضرورت پیدا می‌کند. بافت به آن دسته از ویژگی‌های موقعیتی (اجتماعی، فرهنگی و معرفتی) گفته می‌شود که در تولید و تعبیر زبان نقش دارند. تعریف و تعیین گسترده بافت کارآسانی نیست. تحلیل‌گر باید ساحت اجتماعی و روان‌شناختی را که کاربران زبان در هر زمان خاصی در چارچوب آن عمل می‌کنند مورد توجه قرار دهد. تعیین ویژگی‌های بافتی مؤثر در تعامل ایرانیان بسیار مشهود است.

نویسنده در تحقیق خود بخش قابل توجهی را به تعیین ویژگی‌های بافتی مؤثر در تعامل ایرانیان اختصاص می‌دهد. وی به ویژه طرح‌ها یا الگوهای بنیادی و منزلت را دو مؤلفه مهم و مؤثر در تعامل ایرانیان می‌داند. طرح‌های بنیادی به ساختارهایی از دانش قراردادی و متعارف گفته می‌شود که در ذهن و حافظه افراد وجود دارد. نویسنده جنبه‌ای از زندگی ایرانیان را برای تحلیل و توصیف برگزیده است که بسیار لغزنده و نامطمئن است. به همین دلیل نویسنده مدت طولانی در میان ایرانیان زندگی کرده است و با

نگاه دقیق جنبه‌های مختلف تعاملات روزمره ایرانیان را زیر نظر گرفته و کوشیده است در قالب مفاهیم و چارچوب‌های نظری مورد قبول خود، آنها را تحلیل و تبیین کند.

۳. معرفی محتوای کتاب

این کتاب حاصل یک تحقیق میدانی و در ۹ فصل تنظیم شده است.

فصل اول

این فصل به بررسی زندگی اجتماعی ایرانیان و پیچیدگی آن می‌پردازد. ویلیام بی‌من حتی موسیقی، شعر و فرش‌های ایرانی را نیز تجزیه و تحلیل کرده است. زندگی اجتماعی در ایران به نحو چشمگیری حتی با نزدیک‌ترین همسایگانش تفاوت دارد. موقعیت‌های تعاملی حتی برای کسانی که در درون این نظام نشو و نما یافته‌اند نیازمند مهارتی تمام عیار و همه جانبه است.

طرح‌ها و نقوش در هم تافته و باشکوه در ظریف‌ترین قالی‌های ایرانی، پیچیدگی وزن و قافیه، صنایع شعری و بازی با کلمات در شعر کهن پارسی، بدیهه‌ها و ردیف‌های موسیقی سنتی ایران، همه و همه قدری از احساس و حال و هوای تعاملات اجتماعی روزمره را منتقل می‌کند.

سپس نویسنده به بررسی نمادهای زبان فارسی می‌پردازد که از جایگاه مهمی برخوردار است، مانند نی که به خدا، شمس، روح، عقل و عشق تعبیر شده است و هر کس بر اساس شناختی که از متن پیدا می‌کند آن را تفسیر می‌کند. تناسب در زبان جایگاه ویژه‌ای دارد یعنی اینکه فرد بداند در هر موقعیتی چگونه کلمات را به کار برد و چگونه با مخاطب خود سخن بگوید، مانند حرف‌زدن با شخص خاص و کاربرد افعال و ضمائر متناسب با آن شخص. در کنار تناسب کارایی نیز مطرح می‌شود. کارایی یعنی عدول‌هایی که در زبان روزمره انجام می‌دهیم، مانند چاپلوسی‌ها و شوخی‌ها.

نویسنده بعد از طرح این مباحث الگوهایی را در زندگی ایرانیان معرفی می‌کند که به نوبه خود جالب توجه است. یکی از این الگوها اهمیتی است که ایرانیان برای باطن و درون قائل هستند. الگوی دیگر تقابل در سلسله مراتب است به این معنی که ایرانیان در سخن گفتن سعی می‌کنند از رابطه‌های بالادستی و پایین‌دستی استفاده کنند.

«بی‌من» در فصل دوم به طور مفصل به این موضوعات می‌پردازد. در پایان فصل اول نویسنده نتیجه‌گیری می‌کند که ایرانیان در کاربرد جادوی ارتباطی خود به غایت استادند و وضعیت و حوزه‌ها را عوض می‌کنند.

فصل دوم: سازماندهی پیام

در این فصل نویسنده از وضعیت اجتماعی ایرانیان برای برقراری ارتباط آنها با یکدیگر استفاده می‌کند و با تحلیل وضعیت اجتماعی و فرهنگی ایرانی، زبان و کارکرد آن را بررسی می‌کند:

۱. بی‌اعتمادی و ناامنی در زندگی ایرانیان: غربی‌ها ویژگی بارز روابط اجتماعی ایرانیان را بی‌اعتمادی و ناامنی می‌دانند. این موضوع سبب می‌شود رابطه بین صورت پیام و محتوای آن درست تعبیر نگردد و سبب ابهام شود.
۲. پنهان کاری و زرنگی: اشاره به تقیه دارد که از بطن سنت اسلامی شیعه برآمده است.

ایرانیان به دلیل بی‌اعتمادی که نسبت به یکدیگر دارند، پیام‌ها را واضح و شفاف منتقل نمی‌کنند و سعی می‌کنند از کنایه و پنهان کاری استفاده کرده و در لفافه سخن بگویند. این ویژگی موجب می‌شود صورت پیام و محتوای آن یکسان نباشد. تقیه هم از ویژگی‌های مذهب شیعه است، یعنی در شرایط خاص و خطر می‌توان دروغ گفت و پیام اصلی را نرساند. «بی‌من» اعتقاد دارد تقیه نیز نوعی پنهان کاری و زرنگی است که پیام را درست و صریح و شفاف انتقال نمی‌دهد.

فصل سوم: سازماندهی عوامل تعامل مردم

همان طور که اشاره شد، ویلیام «بی‌من» در فصل اول به الگوهای زندگی ایرانیان پرداخته است و در آنجا بیان می‌کند که «روابط نابرابر یا روابط بالادستی و پایین‌دستی» در گفتار ایرانیان پررنگ می‌نماید. وی در فصل سوم به شرح این روابط می‌پردازد: **روابط نابرابر:** روابط افراد فرادست و فرودست که یکی کار می‌کند، احترام می‌گذارد، درخواست می‌کند و در مقابل، طرف دیگر کمک می‌کند، دستورات لازم را می‌دهد و لطف و پاداش را اعطا می‌کند. این روابط، معنی‌شناسی قدرت نامیده می‌شود. فرد اول،

بزرگ و بالاتر و فرد دوم فرودست و پایین دست است که، در حقیقت، این امر نوعی قطب‌بندی ایجاد می‌کند.

یکی از عوامل مهم فرهنگی در میان ایرانیان، تعارفات است که در این کتاب بسیار به آن پرداخته شده است.

تعارفات: سیره‌ای رفتاری است که از الگوهای اجتماعی بنیادی در ایران است و در نحوه گفتگو، زبان و تعامل با یکدیگر به کار می‌رود و در انتقال محتوای پیام اثرگذار است. بنابراین، تمام رفتارهای اجتماعی و فرهنگی مردم در نحوه گفت‌وگو، زبان و تعامل آنها تأثیرگذار و اثربخش است.

فصل چهارم: علامت‌گذاری عوامل و رویدادها

در این فصل نویسنده به تعریف اصطلاحات بافت، زمینه و موقعیت می‌پردازد که در ارتباطات و مکالمه‌های روزمره نقش اساسی ایفا می‌کنند.

بافت: مفهوم گسترده‌ای از تعامل است که افراد درگیر را دربر می‌گیرد. دو عامل زمینه و موقعیت در بافت نقش اساسی دارد و تمامی اینها علامت تعامل و رویداد در میان ایرانیان است.

زمینه: مفهومی فرهنگی است و اشاره به جنبه ذهنی-شناختی دارد که بافت‌های معنی-دار را از غیرمعنی‌دار متمایز می‌کند. زبان یک رفتار اجتماعی است یعنی آنچه گفته می‌شود انجام داده می‌شود و این انجام از طریق واژگان، دستور و نحو نمود پیدا می‌کند.

موقعیت: به زمان و مکان کنش و به طور کلی شرایط و موقعیت فیزیکی تعامل مربوط می‌شود.

ابعاد بافت‌سازی در تعامل ایرانیان

۱. مفاهیم ظاهر و باطن / اندرونی و بیرونی: ایرانیان به درون بیشتر اهمیت می‌دهند (در اخلاق مفاهیمی مانند محبت و علاقه، و در عرفان مفاهیمی مانند نفس‌آماره و قلب و ... به کار می‌رود).
۲. شبکه و گروه: در شبکه روابط نابرابر و سلسله‌مراتبی و در گروه روابط برابر وجود دارد. برای روشن‌تر شدن این اصطلاحات می‌توان خانواده را در نظر گرفت.

هنگامی که خانواده را صرفاً واحدی فروبسته و محصور در چند اتاق با منافع مشترک بدانیم، آن را یک گروه در نظر می‌گیریم و اگر روابط بر اساس سن، ارشدیت و جنس افراد باشد، آنگاه خانواده شبکه‌ای از روابط است.

۳. افراد احساس کنند که تا چه اندازه در میان احساس و نظرات شخصی‌شان در موقعیت تعامل، آزادی عمل دارند. اصطلاحات کم‌رو و پررو در این جا مطرح می‌شود، که فرد کم‌رو، بیانی محدود و فرد پررو بیانی آزاد دارد.

در این جا دو قطب در نظر گرفته می‌شود که تعامل ایرانیان خارج از آن نیست:

قطب الف	قطب ب
ظاهر / بیرون	باطن / اندرون
حاکمیت شبکه	حاکمیت گروه
کم‌رویی (بیان محدود)	پررویی (بیان آزاد)

قطب ب صمیمانه‌تر است و حالات بدن، زبان بدن و حرکات دست مهم نیست. اما در الف ایستادن، حرکت دست‌ها و ... اهمیت دارد. هنگامی که فردی در قطب الف باشد و رفتار قطب ب را نشان دهد اصطلاح بی ادب، دیوانه و ... را برای او به کار می‌برند.

فصل پنجم: واج‌شناسی اجتماعی زبان فارسی

در این فصل به ویژگی‌های زبان فارسی و لغات آن پرداخته می‌شود و اینکه در گفت‌و-گوهای روزمره، کلمات چگونه ادا می‌شوند. خصوصیت زبان فارسی این است که کلمات در گفتار و نوشتار بسیار تفاوت دارند، در نوشتار به نحوی تلفظ می‌شود و در گفتار به نحوی دیگر:

۱. تقلیل و حذف صامت‌ها: چشم‌ها - چشم‌ها؛ چند - چن
۲. حذف خوشه‌های صامت پایانی در واژه: عصر - عص؛ صبح - صب
۳. تعداد هجاها در واژه یا در عبارت کاهش پیدا می‌کند: شاه عبدالعظیم - شاعبدالعظیم
۴. حذف «ه» از پایان واژه یا جمله: نگاه کن به اینها - نگاه کن به اینا
۵. حذف صامت «ر»: چه طور شد؟ - چه طو شد؟

ما با تمامی این موارد آشنا هستیم و آنها را در گفتارهای روزمره به کار می‌بریم و در واقع به دلیل کمبود وقت، احساس صمیمیت و راحتی در گفتار صامت‌های پایانی کلمات را حذف می‌کنیم.

فصل ششم: واژه‌شناسی اجتماعی زبان فارسی

زبان فارسی دارای تنوع در افعال و ضمایر است. کمتر زبانی را می‌توان یافت که این چنین تنوع فعل و ضمیر داشته باشد. نویسنده به این امر پی برده و در صدد معرفی آنها برآمده است:

۱. تغییرات و تنوعات ساخت واژی: نظام فعلی و نظام ضمایر (به عنوان مثال به جای «من» از «بنده»؛ به جای «کتاب من» از «کتاب خود» استفاده می‌شود).
۲. زبان تعارف: برای پایین آوردن خود و بالا بردن دیگری (مثلاً به جای «آمدن» از «شرفیاب شدن»؛ به جای «بودن» از «تشریف داشتن» استفاده می‌شود).
۳. زبان زرنگی: زبان حمایت‌گرایانه بین دو فرد صمیمی که در قطب ب قرار دارند. زبان تعارف مختص فرهنگ ایرانی و زبان فارسی است. برای نویسنده نیز این‌گونه از زبان، جالب و در نوع خود کم نظیر است. این نوع از زبان دقیقاً همان زبان سلسله مراتبی و پایین‌آوردن گوینده است. هنگامی که گوینده از لفظ بنده استفاده می‌کند در واقع خود را پایین‌تر از شنونده قرار می‌دهد و این از ویژگی‌های زبان فارسی و فرهنگ ایرانی است.

فصل هفتم: نحو‌شناسی اجتماعی تعامل ایرانیان

در این فصل به چند نکته در دستور زبان فارسی اشاره می‌شود که در همه زبان‌ها مهم است. در همه زبان‌ها، نحو و دستور زبان و چهارچوبی که برای آن مطرح است، بسیار اساسی و حیاتی است. اگر این تعامل‌ها و چهارچوب‌ها تغییر کند به طنز و انتقاد مبدل می‌شود، زیرا زبان از اصل خود عدول کرده است.

۱. آغازگرهای کلام (کلمه عرض، کلمه می‌گم، امر مستقیم؛ گوش دادن: گوش بده، گوش می‌دی؟).
۲. کارکردهای عملیاتی (ساختار مکالمه از شروع تا پایان).

۳. ترکیب بندی شکل پیام (طرح و چهارچوب که عبارت از نحو و دستور زبان است). اینها تنظیم کننده شکل تعامل هستند که می‌توانند تغییر کنند، مانند شوخی‌ها، انتقادات شدید، گفت‌وگوی مطایبه آمیز.

فصل هشتم: زیباشناسی تعامل ایرانیان

در این فصل نویسنده مطالب پیشین را مرور می‌کند و برای جمع‌بندی به زیبایی‌شناسی تعامل ایرانیان اشاره می‌کند:

۱. تنوعات سبکی.
۲. آنچه در محاوره حاصل چانه زنی و دستیابی به توافق در یک فرآیند اجتماعی است.
۳. معانی عناصر زبان در تعریف بافت.
۴. شوخی‌ها و کاربردهای نامتعارف زبان.

فصل نهم: عاطفه و صمیمیت در گفتمان زبان فارسی

هر زبانی برای ایجاد صمیمت و عاطفه در گفتار از ابزارهایی استفاده می‌کند. زبان فارسی نیز از این قضیه مستثنا نیست:

۱. احساس، مانند تجربه‌های دینی و شهودی. در مشارکت فعال گوینده و شنونده گاهی اوقات پنهان کردن احساسات نیز اتفاق می‌افتد. در زبان فارسی و در تجربه‌های شهودی، نویسندگان از این گونه عبارات استفاده می‌کنند: در بیان نمی‌گنجد، به زبان نمی‌آید، قابل بیان نیست و عباراتی از این دست.
۲. کنش، رفتاری که فرد به صورت عادت انجام می‌دهد و دیگران نیز آن را متوجه می‌شوند، مانند شخصی که در حال خوردن غذا است و به دیگران آن را نشان می‌دهد و دیگران برداشت شست‌وشو از رفتار او ندارند.
۳. سوگند.
۴. فرازبانی، حرکات دست و چشم و ...
۵. کیفیت، لحن و شدت صدا.

تمامی موارد ذکر شده کاملاً فرهنگی است که بر روی زبان نیز اثرگذار است.

۴. درس‌های این کتاب برای ما

به طور کلی می‌توان نکات زیر را از این کتاب استنباط کرد:

۱. بی‌اعتمادی و ناامنی بلندمدت و مستمر در زندگی ایرانیان سبب شده است تا پیام‌ها و محتوای آنها به درستی تعبیر نشود و به تبع، زبان فارسی دچار ابهام گردد؛ به‌گونه‌ای که این ابهام به عنوان یک ویژگی زبانی، به شعر کلاسیک فارسی مانند اشعار حافظ راه یافته و در آثار عرفانی ما نیز به صورت گسترده منعکس شده است. این ابهام سبب می‌شود گفت‌وگو در میان مردم شفافیت لازم را نداشته باشد و حتی بسیاری از اوقات دچار سوءتفاهم شوند و نتوانند آن را رفع کنند. در ادبیات فارسی آرایه‌ای با نام «تجاهل العارف» وجود دارد، که این آرایه عبارت است از گمراه کردن خواننده. در ادبیات ما، صریح سخن نگفتن جایگاه والایی دارد و حتی در کتب بیان و بدیع قدیمی گفته می‌شود زیباترین شعر، پیچیده‌ترین و مبهم‌ترین شعر است.

۲. پنهان کاری‌ها و زرنگی‌ها که در فرهنگ ایرانیان وجود دارد سبب شده است که کنایه‌ها بیشتر شود. و این کنایه‌ها چه در ادبیات فارسی و چه در زندگی و تعاملات روزمره از اهمیت زیادی برخوردار است. کنایه‌ها عدول افراد از موقعیت عادی است، بنابراین سبب به وجود آمدن نوعی پیچیدگی در زبان شده و صراحت گفت‌وگو را کم کرده است. تبادل و ارتباط در چنین شرایطی به غایت دشوار است که این امر می‌تواند یکی از موانع توسعه باشد. چنین وضعیتی این امکان را فراهم می‌آورد که افراد بتوانند تقصیرهای خود را بر گردن دیگران بیندازند، زیرا شفافیت و صراحت وجود ندارد. قافیه‌ها، صنایع شعری و کلمات در زبان فارسی نمایانگر این پیچیدگی‌ها هستند.

۳. زبان فارسی یک زبان رمزی است که این امر در متون دینی، ادبی و عرفانی کاملاً قابل مشاهده است. پل نویا^۱ مستشرق معروف در کتاب «زبان عرفانی و زبان قرآنی» اعتقاد دارد که این رمزی بودن زبان به دو دلیل است: نخست اینکه

- از قرآن الگوبرداری شده است، و دوم، به دلیل اتفاقات ناگواری است که در طول تاریخ برای بزرگان و نواندیشان پیش آمده است و آنها مجبور به رمزی سخن گفتن شده‌اند. رمز در زبان فارسی، صراحت و شفافیت گفت‌وگو را کم می‌کند.
۴. در مواردی نیز عوامل فرهنگی بر روی زبان یک ملت، کاملاً اثرگذار است. مثلاً یکی از خصوصیات تاریخی ایرانیان این است که دزدی از اموال مشترک و دولتی را زرنگی تلقی می‌کنند، به ویژه آن دزدی که قادر به کشف آن نباشند. این موضوع سبب شده است که پیام و محتوا یکی نباشد و در واقع ظاهر و باطن یکسان نیست. این امر در روابط و گفت‌وگوهای دیپلماتیک هم مؤثر است. در ظاهر چیز دیگری می‌گویند و در باطن به گونه‌ای دیگر رفتار می‌کنند. این نوع گفت‌وگو هیچ‌گاه به نتیجه نخواهد رسید و در واقع بابِ گفت‌وگو بسته خواهد شد.
۵. استفاده از زبان تعارف و یا سلسله مراتبی (فراست و فرودست) صمیمیت در گفت‌وگو را کم می‌کند و این موضوع سبب می‌شود مردم نتوانند به راحتی مسائل و اختلافات پیش آمده را حل کنند. نویسنده معتقد است زبان سلسله مراتبی یک نوع معنی‌شناسی قدرت و قطب‌بندی در جامعه ایجاد می‌کند که مانعی برای توسعه است.
۶. نویسنده کتاب معتقد است مذاکره در ایران وجود ندارد. نمونه ساده آن ازدواج است. اگر بین یک جوان و خانواده او درباره ازدواج اختلاف وجود داشته باشد، به دعوا و برخوردهای فیزیکی می‌انجامد، حتی در خانواده‌هایی که به ظاهر متمدن هستند. این مثال را نویسنده ذکر می‌کند و بیان می‌کند که در ایران چنین تجربه‌ای را از نزدیک مشاهده کرده است. وی دخالت خانواده‌ها در ازدواج را بسیار عجیب می‌داند. چنین مسائلی که کاملاً فرهنگی هستند بر زبان یک ملت اثرگذار است.
۷. وجود مسئله محرم یا نامحرم سبب می‌شود تعامل کامل ایجاد نشود و بین زنان و مردان ارتباط کامل گفتاری انجام نشود. زنان خود را در منزلت پایین‌تری می‌بینند و با دیگر افراد جامعه، تعامل و گفت‌وگو ندارند.

۸. ممکن است دو نفر در تعامل از راه‌های کارکردی و روزمره عدول کنند، مانند شوخی‌ها و مشاجره‌ها و ... ، که البته چنین وضعیتی گاهی اوقات به دلیل وجود انتقاد ایجاد می‌شود. در چنین موقعیتی راه گفت‌وگوبسته می‌شود. زبان و لحن به گونه‌ی دیگری خواهد شد، مانند بد و بیراه گفتن، فحاشی کردن و

حال به این موضوع می‌پردازیم که مباحث مطرح شده در این کتاب در حوزه فرهنگی و اجتماعی چه درس‌ها و آموزه‌های مهمی دارند.

باورها، مفروضات و الگوهای بنیادین فرهنگی جامعه بر کاربرد زبان از سوی آحاد آن جامعه تأثیر می‌گذارد و حتی گاهی اوقات زبان، واقعیت را دگرگون می‌کند و آن‌گونه که می‌خواهد جلوه می‌دهد. فرهنگ‌ها از طریق زبان از یکدیگر تأثیر پذیرفته‌اند و بر این اساس زمینه‌های توسعه و تکامل فرهنگ‌ها مهیا می‌شود. اگر زبان یک ملت تغییر کند، در پی آن مفاهیم و عبارات نیز تغییر خواهد کرد. زبان مانند هر پدیده دیگر نیاز به توسعه دارد، زیرا یکی از اسباب مهم توسعه است. هر گونه تغییر در زبان در جامعه نیز تغییر ایجاد می‌کند و هر تغییری در جامعه سبب تغییر در زبان می‌شود، زیرا این ارتباط دو سویه است. زبان شاخص خوبی برای تغییرات جامعه است. هرچه زبان یک جامعه رشد یابد و مفاهیم بیشتری در خود جای دهد، آن جامعه رشد بیشتری خواهد داشت. انطباق یا عدم انطباق زبان، فرهنگ، اجتماع و توسعه سبب رشد یا عدم رشد جامعه خواهد بود. اگر زبان در حالت سکون باشد، هرگز زنده تلقی نمی‌شود. زبان یک نیاز اجتماعی است که در طی زمان به خاطر نیاز مردم باید پویا باشد. ارزش‌ها، مفاهیم و هنجارها نیز هیچ‌گاه ایستا نیستند. اگر مفاهیم یک جامعه پیچیده یا ساده باشد، زبان آن نیز به همان شکل خواهد بود. بنابراین زبان و جامعه ارتباطی تنگاتنگ دارند.

زبان نیاز به نوگرایی دارد، زیرا جامعه با توجه به مدرن بودن، وسایل ارتباط جمعی و گستردگی، نو بودن را می‌خواهد و اگر این امر برآورده نشود در زبان بیگانه به دنبال آن خواهد گشت. کمک کردن به نوبودن زبان سبب توسعه کشور و رشد آن خواهد شد. در واقع یک جامعه توسعه یافته باید فرصت مناسب را در اختیار زبان قرار دهد، به این معنی که افکار، عقاید، ارزش‌ها و نظرات بیان و با دیگران به اشتراک گذاشته شوند. زبان موجودی زنده است پس می‌تواند خود را با شرایط جدید وفق دهد، اما بعضی از زبان‌ها

پویایی و زاینده‌گی را ندارد و به زبانی ایستا و راکد مبدل شده‌اند. تاریخ فرهنگ یک ملت از تاریخ زبان آن جدا نیست. ارتباط زبان و تاریخ روشن است، چون زبان حامل و بیانگر تاریخ است. می‌توان از بررسی زبان (دستور، واژه و معنا) به تاریخ فرهنگی و تاریخ فرهنگ یک قوم یا ملت پی برد. تاریخ، تحلیل و تجزیه تحولات یک قوم یا ملت است که در طول زمان شکل می‌گیرد و زبان وسیله‌ای مناسب برای این امر است. زبان برای ایجاد در رابطه، کشف کردن، دانستن و معنا دادن است.

در واقع زبان باید پاسخگوی نیازهای مردم خود در هر دوره‌ای باشد و راحت، روشن و واضح نیازهای مردم را مرتفع سازد. عدم تغییر و تحول اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در دوره‌ای باعث سکون و راکد ماندن زبان می‌شود. اگر تغییرات نام برده (اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی) در جامعه‌ای رخ ندهد، و به صورت ساکن و راکد باقی بماند و تحرکی در آن جامعه رخ ندهد، زبان نیز پویایی و تحرک خود را از دست می‌دهد. این چنین است که زبان با توسعه جامعه ارتباطی تنگاتنگ دارد. زبان ایستا در آینده پاسخگوی نیاز افرادش نخواهد بود و ظرفیت طبیعی و بالقوه آن از دست خواهد رفت.

کشور ایران در بسیاری از دوره‌های تاریخی، تغییر و تحول را تجربه نکرده است و به همین دلیل امروزه زبانی فعال و پویا ندارد. جامعه آن قدر راکد بوده که زبان نیز فعالیت نداشته است، زیرا مردم هستند که زبان را زنده نگه می‌دارند. فضای فکری و علمی در طول تاریخ کمتر بوده است و در نتیجه زبان فارسی کمتر رنگ علمی به خود گرفته و در برابر واژه‌های بیگانه تسلیم بوده است. در چنین جامعه‌ای گفت‌وگو و ارتباط که راهی به سوی توسعه است وجود ندارد. امروزه این موضوع در اصطلاحات علمی خود را نشان داده است. زبان فارسی پاسخگوی نیازهای علمی - که ناگزیر در هر جامعه‌ای به وجود می‌آید - نیست و به همین جهت از زبان‌های بیگانه استفاده می‌کند. اصطلاحات پزشکی، کامپیوتر و دیگر علوم حاکی از همین موضوع است.

۵. پیشنهادهایی برای خوانندگان

به عوامل فرهنگی زیادی در این کتاب اشاره شده است که موانعی برای توسعه هستند، اما در این معرفی بیشتر به عوامل زبان و توسعه پرداخته شد. نویسنده بر روی موانع

توسعه فرهنگی و اجتماعی مردم کار کرده است و اعتقاد دارد که تمامی این نمونه‌ها بر روی زبان مردم تأثیر گذاشته است. در واقع فرهنگ و زبان دو بعد کاملاً پیوسته و مرتبط هستند که تفسیر یکی نیازمند تفسیر دیگری است و بدون یکدیگر تفسیر درستی از آنها ارائه نخواهد شد.

بنابراین برای مطالعه این کتاب بهتر است ابتدا با مشخصات زبان فارسی که عبارتند از تک‌واژه، واژه‌ها و ... آشنا باشیم. همچنین آشنایی مختصر با مباحث زبان‌شناسی نیز مفید است. مطالعه کتاب‌ها و نوشته‌های مستشرقینی که به ایران سفر کرده‌اند به عنوان منابع تکمیلی این کتاب، بسیار سودمند خواهد بود. کتاب «خلقیات ما ایرانیان» از محمد علی جمالزاده بهترین آنهاست. این گونه کتاب‌ها ما را با فرهنگ خودمان بیشتر آشنا می‌سازند و به ما برای رفع عیب‌هایمان کمک می‌کند. این گونه کتاب‌ها بی‌پروا و بدون تعارف صحبت می‌کنند و تاریخ و گنجینه‌ای از زبان، فرهنگ، سیاست و اقتصاد ایرانیان را در اختیار ما قرار می‌دهند. مستشرقین عموماً موشکافانه و بسیار دقیق به مسائل می‌پردازند و این موضوع می‌تواند الگوی خوبی در اختیار ما قرار دهد.